

کردستان

ارگان حزب دمکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۹۲ | جمعه ۱۵ فروردین ۱۴۰۴ | ۴ آوریل ۲۰۲۵

تامین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

پیام دبیر کل حزب دمکرات خطاب به جوانان هویت‌خواه

کردستانیان ارجمند!

فرزندان دلیر و جامعه مبارز کردستان!

شما که آزادیخواه هستید، از ماکو تا مناطق جنوب زاگروس با حمایت از فراخوان انجمن‌های مدنی کردستان برای برپایی مراسمات نوروز خاکپوشان، باری دیگر با برگزاری مراسمات نوروز کوردی اتحاد و همبستگی خود را در مبارزه اعلام و اثبات نمودید. علیرغم فضای سرکوب و موانع‌سازی رژیم ایران، با حضور عمومی خود، شعور سیاسی و هوشیاری ملی خود را اثبات نمودید و باری دیگر نشان دادید که اراده اتحاد ملت کورد در راستای دفاع از هویت ملی خویش، سرمایه‌ای عظیم و غیرقابل شکست در مقابل رژیم ایران می‌باشد. ما نیز با احترام و اقی روشن به مبارزه شما می‌نگریم؛ زندگیتان مملو از شادی و اتحادتان پایدار!

مصطفی هجری
دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران
۶ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی

دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران:

هویت‌خواهی و اراده اتحاد و همبستگی ملت کورد سرمایه عظیم مبارزه است



اتمام حجت عفو بین الملل با ناقضان حقوق بشر رژیم جمهوری اسلامی ایران

محدودیت‌های شدید برای جامعه مدنی، روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و فعالان صنفی را برجیند، دسترسی بدون مانع به فضای مجازی و آزادی تجمع مسالمت‌آمیز را به رسمیت بشناسد، و تمامی کسانی را که به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز زندانی شده‌اند، آزاد کند. این هیات از سال ۱۴۰۱، همزمان با اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» کار خود را آغاز کرده است

چرخه خشونت و سرکوب فراهم کند قوانین و سیاست‌های اجباری حجاب و هر شکلی از تبعیض و خشونت ساختاری علیه زنان و اقلیت‌ها را لغو کند یا به‌صورت اساسی اصلاح نماید برای تضمین دادرسی عادلانه، اطمینان حاصل کند که هیچ متهمی به جرمی که به آستانه «جدی‌ترین جرم‌ها» نمی‌رسند، محکوم به اعدام نشود و دادگاه‌ها بی‌طرف باشند و زیر نظر قضاتی مستقل و واجد صلاحیت برگزار شوند

مقامات ایران، از جمله قضات، دادستان‌ها، ماموران امنیتی و اطلاعاتی است مبنی بر این‌که نقض جدی حقوق بشر و ارتکاب آنچه تحت حقوق بین‌الملل جنایت به شمار می‌آید، بدون پیامد نخواهد بود. در این قطعنامه، از جمهوری اسلامی ایران از جمله موارد زیر خواسته شده است: به مصونیت ساختاری پایان دهد و با ایجاد اصلاحات ضروری در قانون اساسی، مقررات کیفری و ساختار قضایی، بستری برای جلوگیری از تداوم

به تمدید ماموریت گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران و گسترش حوزه کاری هیات حقیقت‌یاب، این دست‌آورد را پاسخی حیاتی به درخواست‌های پیاپی بازماندگان نقض حقوق بشر در ایران دانست و اعلام کرد مقامات ایران باید بدانند نقض حقوق بشر دیگر برایشان بدون پیامد نخواهد بود. سارا حشاش، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل گفت: «تصویب این قطعنامه پیامی محکم به

روز ۱۴ فروردین ماه نشست‌های در رابطه با نقض حقوق بشر در ژنو برگزار گردید. در این نشست قطعنامه‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران صادر گردید که ضمن محکومیت نقض حقوق بشر در ایران، ماموریت گزارشگر ویژه و هیات حقیقت‌یاب مستقل برای نقض حقوق بشر در ایران را برای یک سال دیگر تمدید کرد. این قطعنامه با ۲۴ رای موافق در مقابل ۸ رای مخالف تصویب شد در این رابطه عفو بین‌الملل نیز در واکنش

چرا قاسملو، قاسملو راحت ادامه دارد؟	فلسفه تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران در پیشوا قاضی محمد رئیس جمهور کردستان شاهرخ حسن زاده	میراث گرانبهای پیشوا رضا دانشجو	تحول کوردها و آذریهای ارومیه: ساختن همزیستی و صلح اورارتو دلشین	پیام حزب دمکرات کردستان ایران در خصوص هیاهوی پان‌ترکیستها و تحریکات نهادهای امنیتی
۷	۶	۴	۳	۲

پیام کمیسیون اجتماعی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت سالروز شهیدان کوردستان

پیام حزب دمکرات
کوردستان ایران
در خصوص هياهو
پان ترکیستها و تحریکات
نهادهای امنیتی
جمهوری اسلامی علیه
مردم کورد در شهر
ارومیه



پس از آنکه روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند ماه، یک مراسم باشکوه نوروزی با شرکت بیش از یکصد هزار نفر از مردم کورد در شهر ارومیه و نیز شمار چشمگیری از ترکهای ساکن این شهر برگزار گردید، اقلیت پان‌ترکیست با تحریک و همکاری نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، روز شنبه دوم فروردین بمنظور اعتراض به برگزاری مراسم نوروزی کوردها، چماق بدست، تظاهرات خشن را با شعارهای تفرقه افکنانه و مغایر با روح زندگی مسالمت‌آمیز براه انداختند. آنها حتی بمنظور سؤاستفاده از احساسات مذهبی مردم و ترویج کینه و نفرت بیشتر علیه مردم کورد در فراخوان چند روز پیش خود، بویژه روز ۲۱ رمضان را انتخاب کرده بودند که مصادف است با شهادت امام علی. بدین منظور حتی مردم را از دیگر شهرها نیز با اتوبوس به ارومیه آورده بودند بدون تردید اینگونه رفتارهای غیر متمدنانه‌ی پان‌ترکیستها، توطئه‌ی سازمانده‌شده‌ی است و غیر از آشوبگری و تفرقه افکنی میان هم‌میهنان کورد و ترک که پیشتر نیز تجربه‌ی تلخی در این خصوص داشته‌اند، هیچ سودی در بر نخواهد داشت و متضرر اصلی تنها دو خلق کورد و ترک می‌باشند حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن محکوم کردن اینگونه رفتارهای مشترک پان‌ترکیستها و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از روشنفکران، شخصیتها و جامعه‌ی مدنی ترکها می‌خواهد که موضع درخور همزیستی و متمدنانه‌ی اتخاذ نمایند و اجازه ندهند که اینگونه تحریکات میان دو خلق ترک و کورد مشکل و تفرقه ایجاد نماید حزب دمکرات کوردستان ایران بر این باور است که در حال حاضر جوامع کورد و ترک بیش از هر زمان دیگری به همزیستی مسالمت‌آمیز نیاز دارند، این دو ملت که صدها سال است در کنار یکدیگر در این میهن زندگی می‌کنند و حتی پیوندهای اجتماعی و خانوادگی بسیاری میان آنها وجود دارد، حق دارند و باید هم که به اخوت و همزیستی مسالمت‌آمیز خود ابعاد گسترده‌تری ببخشند از جامعه‌ی مدنی آگاه و هشیار هردو خلق کورد و ترک و شخصیتها، روشنفکران و روحانیون نیز می‌خواهیم که مانع هرگونه تحریکات نژادپرستانه‌ی اینچنینی گردند و تا آنجا که در توان دارند از آگاه ساختن مردم خویش و افشای نیات پلید افراد خبیث دریغ نوزند

حزب دمکرات کوردستان ایران
هیأت اجرایی
۳ فروردین ۱۴۰۴



صحيح و اصولی حزب دمکرات کوردستان ایران مدت ۴۶ سال است عملی در میدان مبارزه هستند و در همه شیوه‌های مبارزه برای رسیدن به آزادی ملت کورد دریغ نکرده و در این راه هزاران شهید را به پیشگاه آزادی تقدیم نموده‌اند. بعد از جنبش ژینا که فرم مبارزه به مرحله‌ی دیگر گام نهاد، اگر این جنبش بعد از شهادت ژینا، دختر کورد سقزی شروع شد، اما سندی محکم از مبارزه سالها مبارزه و خون هزاران شهید کادر و پیشمرگه و مردم مدنی کوردستان را داشت. به همین دلیل با این سابقه و بهایی سنگین جامعه هوشیار و آگاه مردم هر ساله به بهانه‌های مختلف به ویژه امسال هم صدا و متحدانه و با نیروی بی‌انتهای خود هیمنه رژیم ایران را به لرزه افکندند و آن را بیش از پیش به سراشیبی سقوط نزدیک نمودند. مردم مصرانه مبارزه می‌کنند که تا رسیدن به اهداف دیرینه ملت کورد و همه شهدای کوردستان و آزادی زندانیان سیسی و تسلیم نمودن رژیم ایران از مبارزه باز نایستند

دوستان گرامی!

در روز دهم فروردین با سرقافله شهدا پیشوا قاضی محمد و همه شهدای راه آزادی کوردستان و خانواده معزز آنان تجدید میثاق خواهیم کرد که تا رسیدن به اهداف خود در میدان مبارزه باشیم. در روز شهدای کوردستان دست در دست هم دهیم و با ادای احترام به روح پاک همه شهدا در برابر قامت و اهداف آنان سر تعظیم فرود آوریم

درد بر روح مطهر سرقافله شهیدان
پیشوا قاضی و یارانش

درد بر شهدای کوردستان!

درد بر مردم آزادیخواه و مردم
مبارزه کوردستان!

سلاو له بنه‌ماله‌ی سهربره‌ری
شهیدان و زندانیانی سیاسی!

درد بر خانواده معزز شهدا و
زندانیان سیاسی

۱۰ فروردین ۱۴۰۴ خورشیدی
کمیسیون اجتماعی

ستوه آمده در کوردستان از هر فرصت و مناسبتی به اشکال و شیوه‌های مختلف برای اعتراض علیه حاکمان و رفتارهای ضدانسانی رژیم ایران استفاده می‌کنند در جنبش ژینا و بعد از جنبش ژینا شیوه و طریقه مقابله و مبارزه مردم علیه حاکمان در ایران به ویژه در کوردستان تغییر کرد و از فرم سابق تحول یافت و از کانال‌های دیگر مبارزه ادامه یافت. مردم کوردستان به ویژه توده‌های جامعه بدون هیچ واژه‌ای مناسبت‌های مذهبی، فرهنگی و ملی را به سکویی برای مبارزه تبدیل می‌کنند و با انسجامی تحسین برانگیز با آهنگ، سرود و رقص و پایکوبی و برافروختن آتش علیه حاکمان مستبد تهران به پا می‌خیزند بیش از یک ماه است در سراسر کوردستان زنان و مردان خاکپوش با ملیب شدن به جامانه و هوری مراسمات نوروز ۲۷۲۵ کوردی را با تمام و کمال و شعارهای هويت طلبانه جشن می‌گیرند این مبارزه و استقامت شکوهمند تحت عنوان خاکپوشان در سراسر کوردستان افقی زیبا از هويت طلبی مردم کوردستان در اتحاد و انسجام را به نمایش گذاشته و بیش از پیش حاکمان رژیم ایران را به هراس افکنده و باری دیگر اثبات نمودند که سران این رژیم در مقابل نیروی متحد توده‌های مردم کوردستان تسلیم پذیر هستند با توجه به این شرایط حساس که در کوردستان به وجود آمده است، بیانگر این است که ما به عنوان ملت کورد به ویژه جریان‌های سیاسی و شخصیت‌های سیاسی داخل و خارج کوردستان و ایران باید بیشتر اهتمام به بسط صفوف مبارزاتی داده و در صفی متحد برای هر اقدام و فرصتی که به وجود می‌آید آن را به سود جنبش ملت کورد مغتنم بشماریم. همچنین توطئه‌های دشمنان کورد را در نطفه خفه کرده و اجازه ندهیم دشمنان با برنامه و توطئه‌های مختلف خود مانند موضوعی که در ارومیه روی داد، اتحاد و انسجام ملتها به ویژه کورد و تورک در کوردستان که سالیان متممادی است با هم زندگی می‌کنند از هم متفرق کنند

مردم آزادیخواه کوردستان!

مردم کوردستان تحت سایه سیاست‌های

ارتش کوردستان تا اعزاز شماری از جوانان کورد به خارج برای ادامه تحصیل، مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی، اهمیت دادن به مطبوعات و نشریات مجله و روزنامه، آزادی بیان در تحریر و بیان، حمایت از شاعران و نویسندگان، ایجاد فضایی دمکراتیک در کوردستان و نمونه‌های قابل تاکید دیگر از جمله آن دستاوردها بود این دستاوردها نه تنها به فراموشی نسپرد شد بلکه در ذهن و روح ملت کورد نهادینه گشته و به ریشه توانمند برای مبارزه و مقاومت نسل‌های آینده در کوردستان بدل شد که هم اکنون محاصل این مبارزه نمود پیدا کرده و شاهد آن هستیم که مردم کوردستان به ویژه زنان و مردان هويت طلب کوردستان از هر فرصت و مناسبتی استفاده می‌کنند تا زبان و فرهنگ خویش را به عرصه نمایش بگذارند و مسئله کورد را در سطح ایران و بین المللی به عنوان موضوعی مهم تلقی کنند

مردم مبارز راه آزادی کوردستان! زنان و جوانان همیشه در میدان مبارزه!

در حالی یاد دهم فروردین روز شهدای کوردستان را گرامی می‌داریم که ایران به طور کلی و کوردستان به ویژه در برهه‌ای حساس گذار می‌کنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران چه در سطح خارجی و داخلی با انبوهی از بحرانهای اقتصادی و سیاسی عمیق و مشکلات اجتماعی و اعتراضات مردم روبرو شده است در سطح داخلی اعتراضات هر روز بیشتر می‌شود و انزجار طبقه و قشرهای مختلف جامعه از این رژیم رو به افزایش است و وضعیت اقتصادی و معیشت مردم در بدترین شکل خود است و سفره آنان خالی است. به این دلیل فضای ایران و به ویژه کوردستان از هم پاشیده شده و فضایی امنیتی و پلیسی بر سراسر ایران و کوردستان حاکم شده است به عنوان مثال، بازداشت هزاران فعال سیاسی و اعدام ۹۰۰ زندانی در سال ۱۴۰۳ به طور کلی و به ویژه اعدام زنان، تحمیل حکم‌های سنگین برای فعالان سیاسی، مدنی و فرهنگی روزانه در حال افزایش است و زندگی را بر مردم دشوار نموده است. به همین سبب مردم به

خانواده معزز شهدا! خانواده‌های گرامی زندانیان و زندانیان نستوه سیاسی! مردم مبارز راه آزادی کوردستان زنان و جوانانی که همیشه در میدان مبارزه‌اید!

روز دهم فروردین ماه هر سال روز شهیدان کوردستان و یادآور روزی تلخ در تاریخ جنبش آزادیخواه ملتمان در کوردستان ایران است. روز اعدام پیشوا قاضی محمد و یارانش توسط رژیم منحوس پهلوی و همچنین روز گرامیداشت یاد و خاطره هزاران شهید این میهن است که در راه هويت و دفاع از ملت خود از سوی رژیم‌های مستبد مرکزگرای تهران به شهادت رسیده یا ترور شده‌اند در روز دهم فروردین؛ درود می‌فرستیم به روان پاک پیشوای جاودان سرقافله شهدای جمهوری کوردستان و یارانش و همه شهیدان کوردستان. امروز برای وفاداری و گرامیداشت یاد شهدا با حضور بر مزار شهدا و دیدار با خانواده شهدا یاد و نام آنان را ارج می‌نهیم. با اهداف آنان تجدید میثاق کرده و تاکید کرده که تا رسیدن به اهداف آنان به ویژه شهیدان قاضی، قاسملو و شرفکندی از مبارزه باز نایستیم

خانواده معزز شهدا!

مردم هويت طلب کوردستان!

تاسیس جمهوری کوردستان در مهاباد از سوی پیشوا قاضی محمد و یارانش بسی جای توجه و تعمق است. با تاسیس جمهوری کوردستان به عنوان یک حاکمیت بزرگ کوردی در منطقه‌ای سنتی با بافتی عشیره‌ای و فئودالی و در کشوری توسعه نیافته مانند ایران در آن زمان نه تنها پدیده‌ای پر اهمیت و سرنوشت‌ساز در حیات کورد بود، بلکه دستاوردهای بزرگی برای ملت کورد و نسل‌های آینده داشت با اینکه عمر سیاسی جمهوری کوردستان به یک سال نگرایی؛ اما جمهوری کوردستان جایگاه شگرفی در جنبش ملت کورد باقی گذاشت؛ از پاسداشت خاک کوردستان و ایجاد

تحول کوردها و آذریهای ارومیه: ساختن همزیستی و صلح

اورارتو دلشین

در میان تنشهای سیاسی و اجتماعی که در برخی مناطق ایران شکل گرفته، نقش مردم کردستان در این فضا همیشه برجسته بوده است. یکی از شهرهایی که به وضوح نماد همزیستی ملتها و قومیتهای مختلف است، ارومیه، قلب کوردستان، می باشد. در طول تاریخ، این شهر شاهد همزیستی مسالمت آمیز و احترام متقابل بین کوردها و آذریها بوده است. روحیه آشتی خواهی کوردها همواره به عنوان یکی از ویژگیهای بارز مردم کوردستان شناخته شده است. کوردها نه تنها در کوردستان، بلکه در دیگر مناطق ایران نیز همواره احترام به دیگر ملیتها و قومیتها را در عمل نشان داده اند. همزیستی در این سرزمین نه تنها به عنوان یک مسئله اجتماعی، بلکه به عنوان یک اصل فرهنگی و اخلاقی در زندگی روزمره مردم کوردستان مورد تأکید قرار گرفته است. اما حالا در شرایطی که رژیم حاکم به دنبال تفرقه افکنی و ایجاد شکافهای اجتماعی هستند، این همزیستی به طور خطرناکی در معرض تهدید قرار گرفته است. برخی گروههای پان ترکیسم که وابسته به رژیم افراطی هستند، با توسل به شعارهای نژادپرستانه و ایجاد فضای خصومت آمیز، تلاش دارند تا کوردها و آذریها را مقابل یکدیگر قرار دهند. در واقع، تنها رژیم است که از این اختلاف افکنیها نفع می برد. رژیمی که از طریق ایجاد بحرانهای اجتماعی و سیاسی، به دنبال منحرف کردن توجه مردم از مشکلات واقعی کشور است. مشکلات اقتصادی، سیاسی و فشارهای جهانی از جمله مسائلی است که رژیم در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می کند و به همین دلیل است که از هر ابزاری، از جمله ایجاد تفرقه بین ملیتها، برای حفظ بقای خود استفاده می کند. همزیستی تاریخی کوردها و آذریها: نمونه های از همبستگی و احترام از دیرباز، کوردها و آذریها در شهرهایی مانند ارومیه همزیستی مسالمت آمیز و فرهنگی داشتند. این همزیستی نه تنها به عنوان یک پدیده اجتماعی، بلکه به عنوان بخشی از تاریخ و فرهنگ هر دو ملت در نظر گرفته می شود. در ارومیه، که قلب کوردستان است، کوردها و آذریها در کنار هم زندگی کرده اند و در بحرانها و چالشها یکدیگر را همراهی کرده اند. این ارتباط نه تنها در زندگی روزمره، بلکه در همکاریهای اقتصادی، فرهنگی و حتی اجتماعی نیز به وضوح نمایان است. در این شهر، تفاوت های ملیتی و زبانی هیچگاه مانع از همکاری و همبستگی نشده است. ازدواجهای بین کوردها و آذریها نمونه های از همزیستی نزدیک این دو ملت است که در طول تاریخ به یک روند طبیعی تبدیل شده است. این ارتباطات فرهنگی و خانوادگی، پایه گذار همبستگی بیشتر بین دو ملت بوده و همچنان به عنوان یک مدل موفق از زندگی مشترک در ایران مطرح است. تفرقه افکنی رژیم: سود بردن از اختلافات برای حفظ قدرت رژیم حاکم بر ایران همیشه تلاش کرده است تا با دامن زدن به تفرقه افکنی بین ملیتها، از جمله کوردها و آذریها، توجه مردم را از مشکلات اصلی کشور منحرف کند. پان ترکیسم که به عنوان یک ابزار سیاسی

توسط برخی گروهها ترویج می شود، در واقع تلاشی است برای ایجاد شکاف و اختلاف در میان مردم، به ویژه در مناطقی که همزیستی چند ملیتی و اجتماعی با موفقیت انجام شده است. رژیم از این تنشها برای حفظ قدرت خود استفاده می کند، چرا که این تفرقه ها باعث می شود که مردم به جای مقابله با مشکلات اقتصادی و سیاسی، به یکدیگر مشغول شوند. در واقع، کسانی که در تلاش هستند تا در میان کوردها و آذریها اختلاف ایجاد کنند، تنها به نفع رژیم عمل می کنند، زیرا این اختلافات می تواند باعث تضعیف اتحاد ملی و اجتماعی کشور شود. آرزوی صلح مردم کوردستان: طرحی برای آینده ای روشن تر در قلب هر فرد کورد، آشتی خواهی و احترام به دیگران ریشه دارد. مردم کوردستان، به ویژه در ارومیه، همواره نشان داده اند که پیوندهای اجتماعی و فرهنگی برای آنها ارزشی بالا دارد. در حقیقت، آشتی خواهی مردم کوردستان به عنوان یک اصل فرهنگی و اجتماعی در طول تاریخ زندگی شان در ایران شناخته شده است. کوردها به ویژه در ارومیه، همیشه در تلاش برای ایجاد فضای آرام و محترمانه برای دیگر ملیتها بوده اند. آنها در مواقع بحران، نه تنها در کنار همشهریان خود، بلکه در کنار دیگر قومیتها هم ایستاده اند. این ویژگی، چه در برخوردهای روزمره و چه در درک نیازهای اجتماعی، باعث شده که مردم کوردستان همیشه به عنوان مدافعان صلح شناخته شوند. این آشتی خواهی در سطح ملیت و اجتماعی می تواند نقطه عطفی برای آینده ای روشن باشد. مردم کوردستان، با درک بالای فرهنگی خود، همواره به دنبال حفظ روابط مسالمت آمیز با آذریها و دیگر ملیتها هستند. اما برای رسیدن به این هدف، لازم است که از تفرقه افکنیهای رژیم دوری کنند و در کنار هم، برای آینده ای بهتر تلاش کنند.

یک آینده مشترک: تکیه بر ارزشهای انسانی و فرهنگی مردم کورد و آذری در ارومیه و دیگر نقاط کوردستان باید به یاد بیآورند که تنها با همبستگی می توانند از خطراتی که رژیم و نیروهای افراطی برای آنها ایجاد کرده اند، جلوگیری کنند. برای دستیابی به یک آینده روشن و پایدار، نیاز به تکیه بر ارزشهای انسانی، فرهنگی و اجتماعی داریم. همبستگی بین کوردها و آذریها نه تنها باید حفظ شود، بلکه باید تقویت شود تا هیچ کس نتواند با تفرقه افکنی، این پیوند را از بین ببرد. در این مسیر، روشنفکران، نخبگان، احزاب کوردی و آذریها و همچنین افراد صاحب نام از هر دو ملت باید نقش خود را ایفا کنند. آگاهی رسانی و روشنگری در مورد خطرات تفرقه افکنی و اهمیت همزیستی مسالمت آمیز باید در صدر برنامه ها قرار گیرد. مردم کوردستان و آذریها باید بدانند که تنها در کنار یکدیگر می توانند در برابر تهدیدات خارجی و داخلی ایستادگی کنند و از این بحرانها عبور کنند.



یابد. اما مردم کوردستان و آذریها نشان داده اند که نه تنها در برابر این سیاستها تسلیم نمی شوند، بلکه در کنار یکدیگر و با قدرت بیشتر، به عنوان مدافعان اصلی صلح، همزیستی و آرامش خواهند ایستاد. اتحاد این دو ملت رسماً خوابهایی را که رژیم اخوندی برای ایجاد شکاف و اختلاف میان کوردها و آذریها دیده بود، بر باد می دهد. هنگامی که مردم کورد و آذری به این درک برسند که تنها با همبستگی می توانند از چالشهای پیش رو عبور کنند و در برابر بحرانها ایستادگی کنند، هیچ نیرویی نمی تواند میان آنها فاصله بیندازد. این اتحاد، همچنین پاسخ محکمی به رژیم خواهد بود که از هر فرصتی برای تفرقه افکنی استفاده کرده است. وقتی مردم کورد و آذری در کنار هم ایستاده و برای دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی خود تلاش کنند، این امر رژیم را وحشت زده خواهد کرد. رژیم دیکتاتوری که به دنبال تسلط بر ملتها از طریق اختلاف افکنی و تحریک احساسات ملی است، به خوبی می داند که همبستگی میان کوردها و آذریها، سد محکمی در برابر سیاستهای آن خواهد بود. در این مسیر، مردم کوردستان و آذریها باید متوجه باشند که اتحاد و همبستگی شان می تواند به عنوان یک نقطه قوت، نه تنها تهدیدات داخلی را دفع کند، بلکه می تواند به بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور کمک کرده و به عنوان الگویی از همزیستی مسالمت آمیز برای دیگر ملتها در ایران و حتی منطقه عمل کند. همبستگی واقعی و تداوم این اتحاد به معنای پیروزی نه تنها برای کوردها و آذریها، بلکه برای تمامی ملیتهای تهت ستم ایران خواهد بود. آینده ای که در آن هیچ رژیمی نمی تواند با تفرقه افکنی در بین ملتها پیروز شود، آینده ای که در آن مردم، به ویژه کوردها و آذریها، در کنار هم و در کمال احترام و محبت زندگی می کنند. ***

که کوردها و آذریها همیشه در کنار هم زندگی کرده اند و بخشی از تاریخ و فرهنگ ایران و کوردستان بوده اند. 4. فرصت سازی برای دشمنان خارجی در شرایطی که تفرقه و ناآرامی میان کوردها و آذریها افزایش یابد، دشمنان خارجی می توانند از این فرصت استفاده کرده و در سیاستهای داخلی ایران دخالت کنند. اختلافات ملیتی، می تواند به عنوان زمینه ای برای نفوذ و تخریب از سوی بیگانگان عمل کند. کشورهایی که به دنبال تضعیف بخشهای از ایران مخصوصاً کوردستان هستند، به راحتی می توانند از اختلافات داخلی بهره برداری کنند و بحرانهای جدیدی ایجاد کنند. 5. آسیب به جوانان و آینده جامعه جوانان همواره در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی هستند و تحت تأثیر هرگونه تفرقه افکنی و تنش قرار می گیرند. اگر جوانان کورد و آذری در این شرایط بزرگ شوند، دیدگاههای منفی نسبت به هم خواهند داشت و ممکن است مسیر زندگیشان تحت تأثیر پیش داوریها و تعصبات نژادی قرار بگیرد. این امر به طور مستقیم بر آینده جامعه و روند توسعه آن اثر می گذارد.

نتیجه گیری: اتحاد، امید برای آینده و پاسخ به چالشهای پیش رو در شرایطی که اختلافات ملیتی و تنشهای اجتماعی در ایران روز به روز پیچیده تر می شود، همبستگی و اتحاد کوردها و آذریها به عنوان یک سلاح قدرتمند در برابر تهدیدات داخلی و خارجی نمایان می شود. این اتحاد نه تنها می تواند از بروز بحرانهای اجتماعی و اقتصادی جلوگیری کند، بلکه به عنوان یک نماد از توانمندی مردم ایران در برابر سیاستهای تفرقه افکنی و دیکتاتوری رژیم عمل خواهد کرد. رژیم حاکم بر ایران در طول سالها سعی کرده است که با ایجاد شکافهای ملیتی و قومی و مذهبی، مردم را از یکدیگر دور کند و از این راه بر سرنوشت کشور تسلط

عواقب تفرقه و نا آرامی میان کوردها و آذریها: تهدیدات و چالشهای تنشهای میان کوردها و آذریها در ارومیه و دیگر مناطق کوردستان، می تواند به یکی از بزرگترین تهدیدات برای همبستگی اجتماعی و امنیت ملی تبدیل شود. وقتی که تفرقه افکنی و اختلافات ملیتی به سطحی برسد که باعث ایجاد تنشهای آشکار بین این دو ملت گردد، آثار و پیامدهای آن می تواند برای جامعه و حتی کشور بسیار خطرناک باشد.

1. تهدید امنیت اجتماعی و صلح عمومی یکی از عواقب اصلی تفرقه افکنی، از دست رفتن امنیت اجتماعی و به هم خوردن آرامش عمومی است. اختلافات بین ملتها نه تنها بر روابط مردم تأثیر می گذارد بلکه باعث بروز تنشهایی می شود که در نهایت امنیت اجتماعی را تهدید می کند. این تنشها می توانند به خشونتها و برخوردهای خیابانی بین افراد و گروهها منجر شوند و موجب بی اعتمادی بین مردم و از دست رفتن همبستگی ملی شوند.

2. تضعیف اقتصاد و همکاریهای اجتماعی در مناطقی که مردم با همدیگر همکاری و تعامل دارند، مانند ارومیه، یکی از آثار تفرقه افکنی و اختلافات ملیتی، آسیب به اقتصاد منطقه است. وقتی که مردم درگیر اختلافات داخلی می شوند، تمرکز و انرژی خود را از پروژه ها و برنامه های مشترک اقتصادی و اجتماعی دور می کنند. همکاریهای اقتصادی که تا پیش از آن بر اساس اعتماد و احترام بود، حالا با مشکل مواجه می شود و در نتیجه، سطح رفاه و پیشرفت اجتماعی کاهش پیدا می کند.

3. تضعیف هویت ملی و فرهنگی تفرقه افکنی میان دو ملت بزرگ در یک منطقه به معنای از دست رفتن هویت ملی و فرهنگی است. وقتی که مردم یک کشور تحت فشار و تحریکهای داخلی و خارجی دچار تفرقه شوند، هویت مشترک ایرانی که اساسش بر احترام به تنوع ملیتی، فرهنگی و زبانی است، تهدید می شود. این در حالی است

میراث گرانبهای پیشوا

پر رنگ کند. در کنار آن پوشیدن لباس کوردی و تاکید بر لباس رزم پیشمرگان به عنوان نماد مبارزه با ظلم جلوه های شگفت آوری از نوروز امسال بود. برگزاری باشکوه این مراسم بویژه در ایلام و کرمانشاه که سالهاست تحت شدیدترین نوع آسمیلاسیون جمهوری اسلامی و البته قبل تر رژیم پهلوی بوده اند بیانگر بیداری قابل توجه جامعه کوردستان است. نظم و اتحاد مثال زدنی در برگزاری این مراسم که با کمترین و کارشکنی و اذیت و آزار نیروهای حکومتی بیانگر این واقعیت است که ساختاریافتگی جامعه امروز کوردستان در حد بسیار بالایی است.

پیشوا و میراث گرانبهای او سالها پس از آسمانی شدنش بزرگترین سرمایه مردم کورد در مسیر رسیدن به آرمان کوردستان است. صحنه هایی که نسل جدید کورد چه در جریان انقلاب ژینا چه در مراسم نوروز امسال آفریدند بی گمان نشان دهنده عمق آگاهی و شعور این نسل در مبارزه با اشغالگران کوردستان است. نسلی بیدار و رو به جلو، نترس و بی باک از صاحبان قدرت و زورداران. مطمئنا روح پیشوای بزرگ در آرامش است او به جامع ای که بنیاد نهاده و این جوانان برومند می بالد. جامعه که آگاه هست و جز رسیدن به هدف به چیز دیگری فکر نمی کند.

حرکت عظیمی که پس از قتل ژینا توسط عوامل جمهوری اسلامی صورت گرفت با تاکید بر سه مساله بسیار مهم نشانگر تداوم راه پیشوا است.

- شعار مترقی "زن، زندگی، آزادی" و نقش برجسته زنان در مقاومت و مبارزه برای حقوقشان نشان دهنده بیداری جامعه زنان و حضور گسترده آنها در مسیر رسیدن به آزادی است.

- تاکید بر حق تعیین سرنوشت به عنوان یک حق محفوظ انسانی نشان دهنده آگاهی مردم کورد در مبارزه با حکومت های اشغالگر سرکوبگر است.

- مبارزه مدنی، سازمان دهی و آگاهی بخشی را می توان بخش سوم این سه گانه مهم در انقلاب ژینا دانست.

در واقع انقلاب ژینا نسخه ای به روز شده از میراث پیشوا و جمهوری کوردستان در مسیر رسیدن به آرمان کوردستان است.

نوروز، نماد مقاومت و همبستگی

نوروز همیشه برای کوردها فراتر از یک جشن سنتی بوده و به نمادی از مقاومت، هویت ملی و وحدت تبدیل شده است. آنچه در نوروز امسال اتفاق افتاد مانیفست آزادی خواهی مردم کورد به گستره جغرافیایی از ماکو تا ایلام بود. حضور گسترده زنان در این مراسم بار دیگر نشان داد که جامعه کوردستان تا چه اندازه توانسته است این نقش مهم و حیاتی را

سایر احزاب کورد در سراسر خاورمیانه شد

گام های مدرن سازی، انتشار روزنامه، سازماندهی زنان و آگاهی اجتماعی

یکی از مهم ترین اقدامات جمهوری کوردستان، انتشار روزنامه "کوردستان" بود. این نشریه، در جامعه ای که اکثریت مردم آن بی سواد بودند، نقش مهمی در آگاهی بخشی و نوسازی فرهنگی داشت. از طریق این روزنامه، مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی، حقوق مردم کورد و اهمیت آموزش ترویج شد.

اما شاید یکی از پیشروترین اقدامات جمهوری کوردستان، تشکیل سازمان زنان بود. قاضی محمد، برخلاف سنت مردسالارانه رایج، بر این باور بود که هیچ جامعه ای بدون حضور زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی، به پیشرفت واقعی نخواهد رسید. بنابراین، او زمینه را برای مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی فراهم کرد. این نگاه مترقی به نقش زنان در جامعه، در سال های بعد به یکی از پایه های اصلی جنبش های کوردستان تبدیل شد.

انقلاب ژینا

شعار "زن، زندگی، آزادی" که در سال های اخیر به نماد مبارزه زنان علیه سرکوب و تبعیض تبدیل شده است، به نوعی ادامه همان تفکر عدالت خواهانه ای است که قاضی محمد در دهه 40 میلادی بنیاد نهاد.

بویژه در شرق می تواند دید از جمله این تاثیرات را می توان در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و همچنین در برگزاری باشکوه مراسم نوروز مشاهده کرد. در ادامه به بررسی تأثیرات جمهوری کوردستان بر هویت بخشی به حرکت آزادی خواهی کورد، مبارزات زنان، و نقش آن در شکل گیری حرکت های فرهنگی سیاسی اجتماعی می پردازیم؛

گسست ساختار عشایری و قبیله ای، آغاز ناسیونالیسم مدرن

تا پیش از تأسیس جمهوری کوردستان، جامعه کوردستان همچنان تحت نفوذ شدید ساختارهای عشایری و قبیله ای بود. این ساختارها علاوه بر تأمین همبستگی درونی، مانعی در مسیر شکل گیری یک دولت مدرن و مردم سالار محسوب می شدند. قاضی محمد، با تشکیل جمهوری کوردستان، کوشید ناسیونالیسم کوردی را از بند روابط قبیله ای رها کرده و آن را به یک جنبش سیاسی اجتماعی مدرن تبدیل کند. جمهوری کوردستان، برخلاف بسیاری از حرکت های پیشین کوردها که وابسته به رهبران عشایری بود، بر پایه حزب و سازماندهی مدرن بنا شد. قاضی محمد با تأسیس حزب دمکرات کوردستان، برای اولین بار حرکتی فراتر از وابستگی های عشیره ای را بنیان نهاد و الگویی برای



رضا دانشجو

تاریخ هر ملتی پر از لحظاتی است که مسیر حرکت آن ملت را تغییر داده و هویت آن را بازتعریف کرده است. برای ملت کورد، یکی از مهم ترین این لحظات، تأسیس جمهوری کوردستان در سال 1946 به رهبری پیشوا قاضی محمد بود. این جمهوری، نه تنها یک تلاش برای خودمختاری سیاسی، بلکه حرکتی بنیادین برای عبور از نظام عشایری و قبیله ای به سوی یک جامعه مدرن و ملی گرا بود.

هرچند عمر این جمهوری کوتاه بود، اما میراث آن در جنبش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کوردها همچنان ادامه دارد. ردیای این حرکت عظیم را در همه حرکات آزادی خواه و عدالت خواه کوردها

پدیدارشناسی نوروز کوردی

(نوروز به مثابه پدیده ای که کوردانه خلق و آفریده می شود)



خردمندانه است. درک و فهم سوژه کوردی از آنچه به مثابه نوروز و مراسمات نوروز آفریده و خلق کرده در واقع خردمندانه و بسیار پویاست، شاید در هیچ دوره تاریخی سوژه کوردی و کوردستان به این میزان از در آمیختگی و درهم تنیدگی با نوروز نرسیده باشد، هویتی که سوژه کوردی و جامعه کوردستان به نوروز بخشیده به مثابه روندی از برانگیختگی دوباره، دوباره زنده شدگی و پویایی به مثابه روندی از شدن و ارتباط دادن آن با خصوصیت اجتماعی فرهنگی و سیاسی جامعه کوردستان که در تقابل و مبارزه با استبداد دیکتاتوری و اقتدارگرایی دیگری غیر کورد است نشان از بازتاب روشن، گسترده ذهن کوردانه سوژه کوردی و جامعه کوردستان در نوروز دارد بدون شک درک اینکه ذهن کوردانه

خلاف نوروز ایدئولوژیک ایرانی که تحمیل دستگاه سیاسی و حاکم بر جامعه است، گفتمانی از روئیده و فرم گرفته از بستر جامعه است، نکته حائز اهمیت در نوروز کوردستان تلاش برای هژمون کردن گفتمان کوردستانی در جامعه کوردستان است از طریق زدودن نوروز ایرانی و المان های فرهنگی و ایدئولوژیکش.

بازتاب ذهن کوردی در پدیدار شدن نوروز

به نظر می رسد نگاهی به روند حضور مردم و سوژه کوردی در این مراسمات، به مثابه پژواک فهم سوژه کوردی، می تواند مؤید این باشد که فهم و آگاهی جامعه کوردی از آنچه که توسط رابطه اینتر سوبژکتیو میان سوژه های کوردی در جامعه به مثابه نوروز شکل گرفته روندی

نوروز و اساسا تلاش برای خلق و ساختن نوروز در کوردستان خط پایانی است بر تعیینات ایرانی در نوروز کوردستان، تاکید سوژه ای کوردی بر کوردانه برگزار کردن نوروز، پدیدار شدن و پژواک سمبل های کوردستانی در مراسمات نوروز، تاکید بر هویت کوردستانی مراسمات نوروز در کوردستان در واقع پایان دادن به یک کلان روایت و فراروایت ایرانی از نوروز هست، دو عنصر مهم نوروز یکی "نوزایی" و دیگری "رستن از بند"، اساس و پایه های نوروز کوردستان است، نوروز برای کوردستان

جشن وحدت جامعه کوردستان، جشن سوژه ای انسان کوردی و محصول ارتباط اینتر سوبژکتیو میان کوردهاست، جشنی متشکل در حضور و سمبل ها که پژواک تکثر گفتمان ها و نگاه های گوناگون در کوردستان و جامعه کوردی است، در واقع نوروز خود گفتمانی در جامعه کوردستان است که بر

نوروز را خلق می کند نوروز را می آفریند. ما امروز در روند پدیدار شدن، گسترش و هژمونی آگاهی و ذهن کوردی در جامعه، شاهد روند خلق و آفرینش گذشته و تاریخی هستیم تا فهمی سوبژکتیو از امروز داشته باشیم. برای همین است که من معتقدم نوروز امروز کوردستان و نوروز کوردی، فرمی کاملا جدید، نو و تازه است. نوروزی است که پژواک و برآیند خصوصیت مبارزه استقلال سوژه کوردی و بروز خود آگاهی سوژه کوردی است، کوردستان و سوژه کوردی از طریق هژمونی بخشی به سمبل هایی نظیر لباس کوردی خاکی، لباس های رنگارنگ و "جامانه" و "شده" و دیگر سمبل های زیست بوم کوردستان در واقع درصدد خلق یک نوروز هست. کوردستان و سوژه کوردی در واقع نوروز را خلق کرده و می آفرینند تا امروز و خود را بیافرینند و این بدین معناست که خود آفرینی، خود بنیادی و سیوررت کوردستان و سوژه کوردی روندی مداوم دارد، بنابراین ما شاهد شدن نوروز در کوردستان هستیم.

تبارشناسی نوروز کوردستان سوژه ای کوردی و کوردستان امروز دیگر نوروز رانه یک جشن باستانی ایرانی می داند و نه درصدد فهم و گسترش سمبل ها و آگاهی های برساخته کهنه از نوروز ایرانی است، درک نوروز و فهم جامعه کوردستان بدون تردید متأثر از تغییر فهم و آگاهی سوژه کوردی از خود تغییر کرده، تاکید جامعه کوردستان بر سمبل های زیست بوم کوردستان، تعیینات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه کوردستان در نوروز و تلاش برای پدیدار کردن فرمی دیگر از



شاهو حسینی

شاید بهترین و کامل ترین اندیشه ای که می تواند ما را در فهم این موضوع یاری دهد تبارشناسی پدیده های فوکو باشد. اساسا نگاه فوکو به تاریخ نگاه دیگری است که در نقطه مقابل نگاه سنتی به تاریخ قرار دارد، در نگاه سنتی، تاریخ سیر رویدادها و توالی اتفاقاتی استدر گذشته و از طریق فهم گذشته تلاش می شود که به فهم امروز نائل شد. اما نگاه فوکو دقیقا برعکس این نگاه سنتی است. فوکو معتقد است که "تاریخ واقعی تاریخ امروز است و ما گذشته را از طریق امروز می آفرینیم". گذشته آن چیزی است که امروز آفریده می شود، خلق می شود و شکل داده می شود. گذشته چیزی جدای از انسان امروزی و آفرینش های انسان امروزی نیست و در واقع نیروها به طور مداوم به جهان های موجود فرم می دهند. نوروز اساسا برای انسان کوردی امروز یک اتفاق یا رویداد در گذشته نیست، نوروز برای سوژه ای کوردی امروز دیگر یک فرم برساخته با سمبل های مشخص و برساخته توسط دیگری غیر کورد نیست. یعنی نوروز یک حقیقت فراتر از من امروز کوردی نیست. سوژه کوردی اتفاقا برعکس امروز

برای ملت کورد، ۱۲ فروردین نماد «نه» بزرگ به جمهوری اسلامی است

مصاحبه: شهرام سبحانی



دکتر مجید حقی

اشاره: ۱۲ فروردین، روزی که رژیم جهل و جنایات جمهوری اسلامی خود را بر جامعه‌ی چند ملیتی ایران تحمیل کرد و از آن روز به بعد سایه‌ی بدبختی و سیه‌روزی بر جامعه‌ی ایران کشیده شد، اما این روز در تاریخ مبارزاتی و سیاسی کوردستان یادآور یک حماسه و افتخاری بزرگی است که مردم کوردستان رفراندوم رژیم را بدلیل عدم شفافیت محتوای رژیم و مبهم بودن ساختار آن، آنرا تحریم کردند و از همان ابتدا راه خود را با این نظام جدا کردند، در ادامه‌ی این گفتگو با سوالاتی نظیر اینکه، رژیم جمهوری اسلامی چگونه ۱۲ فروردین را بر جامعه ایران تحمیل کرد؟، چرا احزاب کوردستان، به‌ویژه حزب دموکرات کوردستان، رفراندوم جمهوری اسلامی را تحریم کردند؟، چرا جمهوری اسلامی از برگزاری یک رفراندوم آزاد و دموکراتیک هراس دارد؟ و چرا جامعه چندملیتی ایران تاکنون اقدامی متحذانه برای سرنگونی این رژیم برنداشته است؟ و... روبرو خواهیم شد که برای پاسخگویی به این سوالات گفتگویی با آقای دکتر مجید حقی، فعال سیاسی خواهیم داشت.

آقای حقی خیلی ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید ابتدا می‌خواهم با این سوال مصاحبه را شروع کنم که رژیم جمهوری اسلامی چگونه ۱۲ فروردین را بر جامعه ایران تحمیل کرد؟

پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، حکومت تازه تأسیس اسلامی بلافاصله تصمیم به برگزاری همه‌پرسی برای تعیین نوع حکومت گرفت. در این همه‌پرسی، تنها یک گزینه به مردم پیشنهاد شد: «جمهوری اسلامی آری یا نه». هیچ آلترناتیو دیگری مطرح نبود و مردم نمی‌دانستند قرار است دقیقا چه نظامی مستقر شود. حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی هنوز تدوین و معرفی نشده بود. فضای حاکم پس از انقلاب به‌گونه‌ای بود که هرگونه مخالفت با این همه‌پرسی، به طرفداری از سلطنت یا مخالفت با انقلاب تعبیر می‌شد. در همین فضا، بسیاری از احزاب و گروه‌ها از جمله بعضی از نیروهای چپ، و احزاب ملیت‌های مختلف از جمله کوردستان این همه‌پرسی را تحریم کردند. در عین حال در بسیاری از مناطق، صندوق‌های رأی یا وجود نداشت یا مشارکت مردم بسیار ناچیز بود. نتیجه این فرایند، اعلام رسمی ۹۸٪ رأی مثبت بود، در حالی که بسیاری از مردم و مناطق به‌ویژه مردم کوردستان در آن شرکت نکردند.

چرا ۱۲ فروردین، برای ملت کورد یادآور افتخاری بزرگ است؟

برای ملت کورد، ۱۲ فروردین نماد «نه» بزرگ به جمهوری اسلامی است. در واقع در سال ۱۳۵۷ دو انقلاب همزمان در ایران جریان داشت: انقلاب اسلامی

در مرکز و انقلاب ملی و دموکراتیک در کوردستان. ملت کورد به پشتوانه تجربیات تاریخی، مانند جمهوری کوردستان و حضور احزاب سکولار و آزادیخواه، به جمهوری اسلامی و ساختار مبهم آن رأی ندادند. احزاب کوردستان، از جمله حزب دموکرات کوردستان ایران و کومه‌له، از مردم خواستند در همه‌پرسی شرکت نکنند. در نتیجه، بخش‌های وسیعی از کوردستان نه تنها در رأی‌گیری شرکت نکردند بلکه عملا نشان دادند که به جمهوری اسلامی باور و اعتمادی ندارند. این مقاومت و تحریم، به‌عنوان یکی از دستاوردهای هویت و آگاهی ملی کوردها در تاریخ معاصر ثبت شد.

چرا احزاب کوردستان، به‌ویژه حزب دموکرات کوردستان، رفراندوم جمهوری اسلامی را تحریم کردند؟

احزاب کوردستان، به‌ویژه حزب دموکرات کوردستان ایران به رهبری دکتر عبدالرحمان قاسملو، با آگاهی از ماهیت ایدئولوژیک و غیردموکراتیک جمهوری اسلامی، این رفراندوم را تحریم کردند. این احزاب تأکید داشتند که مردم کوردستان بدون تضمین حقوق ملی، فرهنگی و زبانی، حاضر به پذیرش هیچ حکومتی نیستند. رهبران کورد بارها خواستار به رسمیت شناختن حق خودمختاری و حقوق ملت‌های ایران شدند اما رهبران جمهوری اسلامی با این خواسته‌ها مخالفت کردند. همچنین عدم شفافیت درباره محتوای جمهوری اسلامی و وابسته بودن این نظام به ولی فقیه، برای کوردها قابل قبول نبود. بنابراین مردم کوردستان با رهبری احزاب سیاسی خود، از همان ابتدا راه خود را از جمهوری اسلامی جدا کردند.

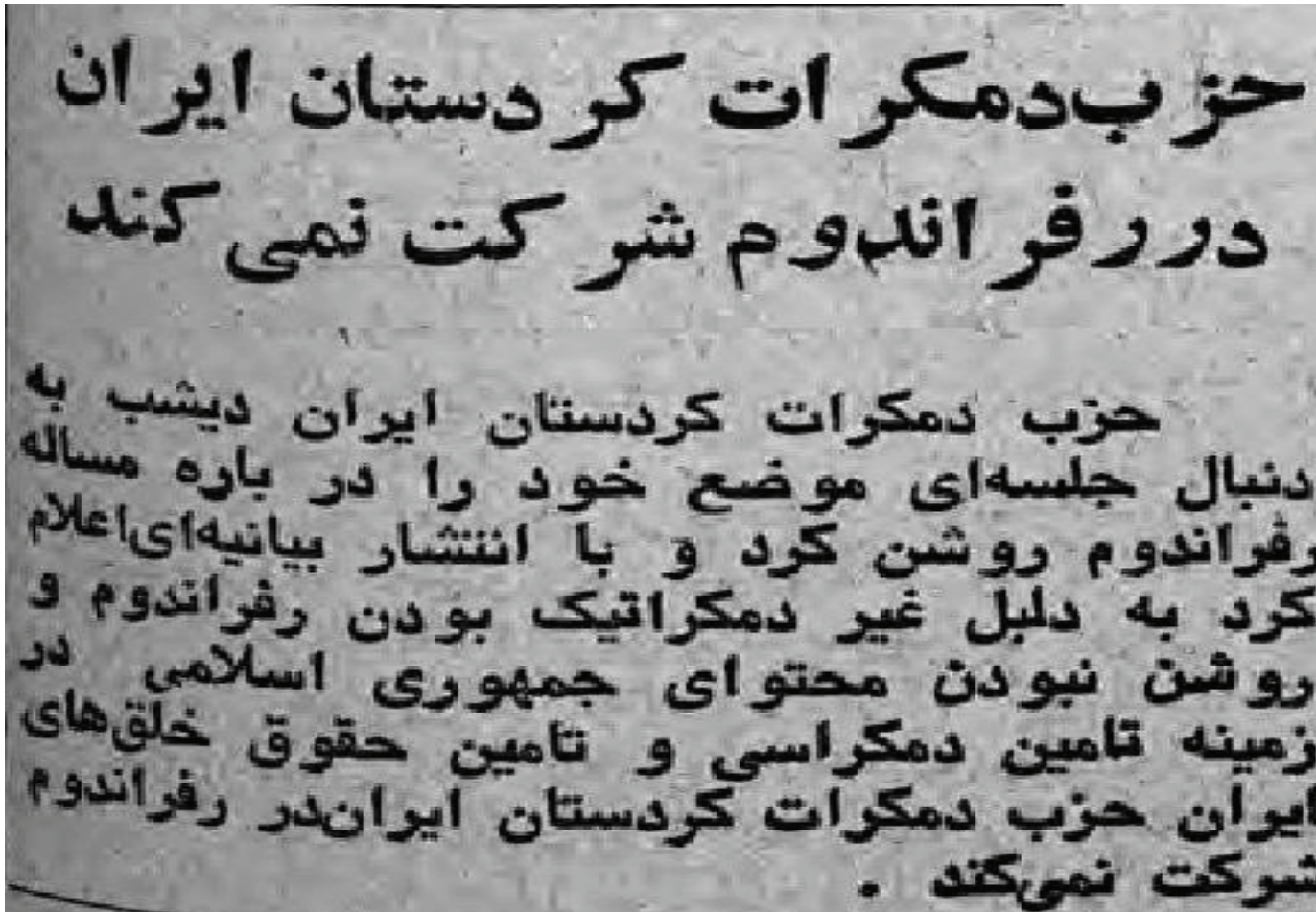
چرا جمهوری اسلامی از برگزاری یک رفراندوم آزاد و دموکراتیک هراس دارد؟

ماهیت جمهوری اسلامی بر اساس نظریه ولایت مطلقه فقیه بنا شده است؛ به این معنا که حق حاکمیت و تصمیم‌گیری از آن مردم نیست بلکه از سوی خداوند

به ولی فقیه تفویض شده و مردم تنها مجازند در چارچوب سیاست‌های از پیش تعیین‌شده، مشارکت کنند. از دیدگاه این رژیم، مردم صلاحیت تعیین سرنوشت خود را ندارند و در غیاب امام معصوم، ولی فقیه منصوب خداوند، هدایت جامعه را برعهده دارد. بر همین اساس، مردم ایران تنها در انتخابات‌هایی مجاز به رأی دادن هستند که اصول اساسی جمهوری اسلامی را تغییر ندهد؛ مانند انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر که همه در چارچوب قانون اساسی موجود و تحت نظارت شورای نگهبان برگزار می‌شوند. اما رفراندوم آزاد و واقعی که مردم بتوانند در آن درباره کلیت نظام سیاسی کشور نظر بدهند، مستلزم آزادی بیان، وجود احزاب، آزادی رسانه‌ها، برگزاری بدون دخالت نهادهای امنیتی و نظارت بی‌طرف بین‌المللی است؛ شرایطی که جمهوری اسلامی همواره از آن گریزان بوده است. دلیل این هراس ساده است: اکثریت مردم ایران و به‌ویژه ملت‌های تحت ستم، پس از ۴۷ سال تجربه استبداد دینی، به جمهوری اسلامی «نه» خواهند گفت. پذیرش یک رفراندوم واقعی به معنای به چالش کشیدن مشروعیت سیاسی و دینی نظام و حتی پایان یافتن حاکمیت آن خواهد بود. از سوی دیگر، ساختار ایدئولوژیک نظام، مشروعیت را نه از اراده مردم، بلکه از ولی فقیه و دستگاه مذهبی می‌گیرد. بنابراین اساسا فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی با مفهوم رفراندوم دموکراتیک سازگار نیست. به همین علت است که این رژیم هیچ‌گاه حاضر نشده است در مورد مهم‌ترین مسائل کشور، از جمله نوع حکومت، به رأی مستقیم مردم مراجعه کند.

دستاوردهای جمهوری اسلامی پس از ۴۷ سال زمامداری بر جامعه چندملیتی ایران چه بوده است؟

اگر نگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم، جمهوری اسلامی در طول ۴۷ سال حکومت خود، نه تنها دستاوردی برای مردم ایران نداشته بلکه میراثی از ویرانی،



دلایل این مسأله را باید در چند سطح بررسی کرد: نخست، باید به سرکوب سیستماتیک و بی‌رحمانه جمهوری اسلامی اشاره کرد. این رژیم از همان آغاز با بهره‌گیری از سازمان‌های امنیتی، نظامی و تبلیغاتی، نه تنها احزاب و نیروهای سیاسی مرکزگرا بلکه به‌ویژه احزاب و جنبش‌های ملیت‌های غیر فارس را سرکوب و تضعیف کرده است. اعدام‌ها، ترورها، تبعید و زندانی کردن رهبران اپوزیسیون و تعطیلی گسترده روزنامه‌ها و رسانه‌های مستقل، بخش مهمی از توان و ظرفیت نیروهای مخالف را از بین برده و جامعه را در حالت خفقان نگه داشته است. از سوی دیگر، ساختار چندملیتی ایران که می‌توانست سرمایه بزرگی برای اتحاد و همبستگی در مسیر گذار از جمهوری اسلامی باشد، به واسطه سیاست‌های آگاهانه و مداوم رژیم به شکاف و واگرایی تبدیل شده است. سیاست تمرکزگرایانه، فارس‌محور و ضدملیتی جمهوری اسلامی موجب شده است که بسیاری از ملت‌های غیرفارس ایران (کورد، بلوچ، عرب، ترکمن، ترک ...) همواره احساس بی‌عدالتی، تبعیض و بی‌اعتمادی نسبت به مرکز و حتی نسبت به بخش‌هایی از اپوزیسیون مرکزگرا داشته باشند. در مقابل، بخش‌هایی از اپوزیسیون فارسی‌زبان و سراسری نیز نسبت به مطالبات تاریخی این ملت‌ها از جمله خودمختاری، فدرالیسم یا حق تعیین سرنوشت دچار تردید یا حتی مخالفت هستند. این بی‌اعتمادی تاریخی از دوران پهلوی تا جمهوری اسلامی ادامه یافته و همچنان مانع شکل‌گیری یک جبهه ملی دموکراتیک مشترک است. در کنار این‌ها، ضعف فرهنگ همکاری و ائتلاف‌سازی در میان اپوزیسیون نیز مزید بر علت است. بخش بزرگی از نیروهای سیاسی ایران همچنان درگیر اختلافات ایدئولوژیک، عدم پذیرش تنوع دیدگاه‌ها و نگرانی‌های رقابتی هستند. هر جریان خود را محور گذار می‌داند و حاضر نیست به یک پلتفرم مشترک و فراگیر تن دهد. دکتر

فقر، تبعیض و بحران‌های عمیق سیاسی و اجتماعی بر جای گذاشته است. اقتصاد ایران، که پیش از انقلاب علیرغم مشکلات، جایگاه مهمی در منطقه و جهان داشت، امروز به اقتصاد بحران‌زده‌ای بدل شده است که گرفتار تورم افسارگسیخته، بیکاری فراگیر، و رکود ساختاری است. طبق آمارهای رسمی و بین‌المللی، بیش از ۳۰ میلیون نفر از مردم ایران زیر خط فقر قرار دارند و فقر مطلق به پدیده‌ای عادی در زندگی روزمره مردم تبدیل شده است. در کنار فقر و بحران معیشتی، نظام سیاسی ایران به‌طور سیستماتیک حقوق ملیت‌های غیرفارس، اقلیت‌های مذهبی، زنان و سایر گروه‌های اجتماعی را پایمال کرده است. جمهوری اسلامی با تصویب و اجرای قوانینی تبعیض‌آمیز، سیاستی مشابه آپارتاید را علیه ملیت‌های غیرفارس، از جمله مردم کورد، عرب، بلوچ و ترک به اجرا گذاشته و حقوق اولیه آنان در زمینه زبان، آموزش، مشارکت سیاسی و توسعه اقتصادی را سلب کرده است. زنان نیز طی این سال‌ها همواره با قوانین تبعیض‌آمیز، تحقیر و محدودیت روبرو بوده‌اند. در بعد منطقه‌ای، جمهوری اسلامی از طریق دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه و حمایت از گروه‌های نیابتی، به عامل نامنی و بی‌ثباتی در خاورمیانه تبدیل شده و در نتیجه ایران را با تحریم‌های گسترده و انزوای بین‌المللی مواجه ساخته است. در عرصه داخلی، سرکوب خونین مخالفان، از جمله ملت کورد، از همان سال‌های نخست تا به امروز ادامه داشته و ده‌ها هزار نفر قربانی این سیاست‌ها شده‌اند؛ جنایاتی که بسیاری از ناظران بین‌المللی آنها را مصداق جنایت علیه بشریت می‌دانند. بنابراین، حاصل ۴۷ سال حاکمیت جمهوری اسلامی نه پیشرفت، که عقب‌ماندگی اقتصادی، فقر گسترده، تخریب انسجام اجتماعی و حاکمیت تبعیض و سرکوب بر جامعه چندملیتی ایران بوده است.

چرا جامعه چندملیتی ایران تاکنون اقدامی متحذانه برای سرنگونی این رژیم برنداشته است؟

فلسفه تاسیس "اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران" در بینش پیشوا "قاضی محمد"، رئیس جمهور کوردستان



شاهرخ حسن زاده

این سنت فکری نقش اساسی ایفا کردند و تاثیر آن در به رسمیت شناختن حق رای پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷، به اوج خود رسید.

قاضی محمد، رئیس جمهور کوردستان با درک عمیق از این فضای سیاسی و با الهام از سنت‌های فکری سوسیالیستی، به اهمیت سازماندهی زنان در جنبش ملی کوردستان پی برد. ایشان با درک این نکته که، زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت آنها در تمامی عرصه‌های سیاسی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی، برای موفقیت جنبش ناسیونالیستی و حکومت کوردی ضروری است. این استنباط، در کنار ارتباط با شخصیت‌های پیشرو در جنبش زنان کرد، همچون "حیسه خان نقیب" در سلیمانیه، انگیزه‌ای قوی برای تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران ایجاد کرد.

نقش برجسته زنان در ادبیات شفاهی و فولکلوریک کوردی نیز، گواهی بر تاثیر و جایگاه ارزشمند آنان در فرهنگ و هویت کوردی است. این نقش نه تنها یک پدیده سطحی و گذرا نیست، بلکه ریشه در عمق ناخودآگاه جمعی ملت کورد دارد. بر اساس نظریه "کارل یونگ"، ناخودآگاه جمعی مخزنی از کهن‌الگوها، نمادها و تجربه‌های مشترک بشریت است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این کهن‌الگوها در قالب اسطوره‌ها، افسانه‌ها، هنر و ادبیات یک جامعه تجلی می‌یابند و بر رفتار و تفکر افراد آن جامعه تاثیر می‌گذارند.

در منظومه‌ها، حماسه‌ها و داستان‌های شفاهی کوردی، زنان نه تنها حضور پررنگی دارند، بلکه غالباً به عنوان شخصیت‌های اصلی، قهرمانان و رهبران جامعه به تصویر کشیده می‌شوند. این تصویرسازی‌ها، نه تنها بازتاب واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جامعه کوردستان است، بلکه بیانگر ارزش‌ها و آرمان‌های عمیق‌تری هستند که در ناخودآگاه جمعی ملت کورد ریشه دوانده‌اند. به عنوان مثال، در بیت‌های "شیخ فرخ و خاتون استی"، "مهم و زین" زنان دوشادوش مردان نقش اصلی حماسه و داستان را بازی میکنند یا در بیت مشهور "لاس و غزال"، غزال نه تنها رئیس ایل خود است (مامودینان)، بلکه آزادانه به عشق خود (لاس) ابراز علاقه می‌کند. غزال، به عنوان یک کهن‌الگو، نمادی از قدرت، استقلال و آزادی زنان در جامعه کوردی است. او یادآور اسطوره‌های کهن زاگرس-توروس است که در آن زنان قدرتمند و مستقل نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کردند.

استاد هیمن در مقدمه کتاب "تحفه‌المظفریه" با اشاره به این بیت، آن را یکی از شاهکارهای ادب کوردی می‌داند که احتمالاً به دوران قبل از اسلام و یا دوران زن‌سالاری بازمی‌گردد. این موضوع نشان می‌دهد که در ناخودآگاه جمعی ملت کورد، زنان همواره نقشی اساسی و محوری داشته‌اند. حتی در قوانین مربوط به شادی و پایکوبی کوردی (هه‌لپرکی)، این زن است که حق انتخاب دارد که با چه کسی برقصد، که این نیز ریشه در همان ناخودآگاه جمعی دارد. این حق انتخاب، نمادی از آزادی و استقلال زنان است و



عکس از نوروز کوردی در ایلام

دارای حق تصمیم‌گیری در نظر بگیرد. این دیدگاه، به طور مستقیم بر تصمیم او برای تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران تاثیر گذاشته است. رئیس جمهور کوردستان با این اقدام، تلاش کرد تا زمینه‌های لازم برای آزادی، حق انتخاب و برابری جنسیتی زنان کورد را فراهم کند و آنان را به عنوان شهروندان برابر و فعال در جامعه کوردستان به رسمیت بشناسد. وی با سازماندهی زنان در قالب یک سازمان تحول و تغییری بزرگ در جامعه سنتی و مذهبی ۸۰ سال پیش ایجاد کرد و، به آنان این امکان را داد تا صدای حق‌طلبی خود را رساتر کنند، در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند و برای احقاق حقوق خود مبارزه کنند. به عبارتی، تاسیس اتحادیه زنان به رهبری مینا خانم همسر پیشوا و عضویت دختران خود با هدف سنت‌شکنی، تبلوری عملی از اندیشه‌های مترقی‌خواهانه و هستی‌شناسانه در زمینه برابری جنسیتی و آزادی زنان در جامعه کوردستان بود.

به صورت کلی؛ تاسیس اتحادیه زنان دمکرات کوردستان ایران در دوران جمهوری کوردستان، اقدامی چندوجهی و ریشه در باورهای عمیق قاضی محمد به اهمیت نقش زنان در جامعه و جنبش ملی کوردستان داشت. این اقدام، نه تنها تحت تاثیر فضای سیاسی حاکم و اندیشه‌های سوسیالیستی بود، بلکه ریشه در تاریخ فولکلوریک و فرهنگ کوردی، و همچنین فضای فکری-فلسفی آن دوران داشت. با بررسی این سه منظر و به ویژه با در نظر گرفتن نقش ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوهای زنانه در فرهنگ کوردی، می‌توان به درک عمیق‌تری از این اقدام و نقش آن در ارتقای جایگاه زنان در جامعه کوردستان دست یافت. تاسیس این اتحادیه، گامی مهم در جهت تحقق آزادی، برابری و عدالت برای زنان کرد در کنار مبارزه برای حقوق ملی دمکراتیک بود که تا به امروز، الهام‌بخش جنبش‌های زنان در این منطقه بوده است.

منطقی این سنت دیرینه، نشان داد که زنان کوردستان پیشگامان تغییر و مبارزه برای احقاق حقوق خود هستند. این حضور پررنگ و تأثیرگذار در مراسمات و جنبش‌های اجتماعی، ریشه در همان ناخودآگاه جمعی دارد که زنان را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر و فعال از هویت و فرهنگ کوردی تعریف می‌کند. قاضی محمد با آگاهی از نقش این کهن‌الگوها در شکل‌دهی هویت و رفتار افراد، به اهمیت سازماندهی زنان برای حفظ و تقویت این هویت و فرهنگ پی برده بود.

دوران جمهوری کوردستان، همزمان با اوج‌گیری فلسفه اگزیستانسیالیسم (هستی‌گرایی) بود. مفاهیمی همچون آزادی، مسئولیت فردی، انتخاب، تعهد و معنا بخشیدن به زندگی، از جمله مفاهیم کلیدی این فلسفه به شدت بر فضای فکری آن دوران تاثیر گذاشته بود. اگزیستانسیالیسم بر این باور است که انسان‌ها مسئول انتخاب‌های خود هستند و باید با آگاهی از این مسئولیت، زندگی خود را شکل دهند. این فلسفه، در تقابل با جبرگرایی و نگاه‌های سنتی، بر اهمیت فردیت و خودآگاهی تأکید می‌کند.

انتشار کتاب "جنس دوم" اثر "سیمون دوبوار"، از پیشگامان فمینیسم و همسر ژان پل سارتر از سردمداران این فلسفه نیز، نشان از توجه جهانی به مسائل مربوط به زنان و برابری جنسیتی داشت. دوبوار در این کتاب، با نگاهی هستی‌شناسانه به مسئله جنسیت نشان می‌دهد که "زن بودن" یک امر ذاتی نیست، بلکه یک ساختار اجتماعی است که به زنان تحمیل می‌شود. او با تأکید بر آزادی و حق انتخاب زنان، خواستار رهایی آنان از این ساختارها و تحقق فردیت و انسانیت کامل آنان می‌شود.

قاضی محمد، به عنوان فردی فرهیخته و آگاه، آشنا با چندین زبان از جمله فرانسوی، احتمالاً با این فلسفه و اندیشه‌های مربوط به حقوق زنان آشنا بوده و تحت تاثیر آن قرار داشته است. فلسفه هستی‌شناسی با تأکید بر آزادی و حق انتخاب، به قاضی محمد این امکان را داد تا زنان را نه به عنوان موجوداتی منفعل و تابع، بلکه به عنوان افراد مستقل و

نشان می‌دهد که زنان در فرهنگ کوردی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. باید این را نیز اضافه کرد که دکتر جواد قاضی عموی پیشوا قاضی محمد در تهیه و جمع آوری کتاب مذکور اثر "اسکارمان" آلمانی در سال ۱۹۰۵ نقش به سزای داشته و حتماً شخص قاضی از محتوای کتاب و تاریخ شفاهی کورد مطلع بوده است.

پس از جنبش ژینا با شعار "ژن ژیان آزادی" زن کورد به عنوان یک سوژه فعال و خودمختار، نه یک ایژه جنسی یا جنس دوم، با استفاده از پیشینه تاریخی خود توانست حضور و نقش خود را تثبیت کند. این شعار با استفاده از کلمات ساده و قدرتمند که از ناخودآگاه جمعی کردها برخاسته و سراسری شد توانست به هویت جمعی جامعه دسترسی پیدا کند و احساسات، ارزش‌ها و باورهای عمیق آن‌ها را فعال کند. این شعار که مبنای اصلی آن زن بود، به جنبش‌های اجتماعی نه تنها در کوردستان بلکه در سراسر ایران کمک کرده است تا هویت جدیدی برای خود تعریف کنند، قدرت حاکم را به چالش بکشند و برای ساختن یک جامعه آزاد و عادلانه تلاش کنند.

همچنین مشارکت گسترده زنان در فعالیت‌های ادبی، فرهنگی، زبانی، حقوق زنان، مراسمات و جشن‌های نوروزی در سال‌های اخیر، به ویژه در شهرها و روستاهای کوردستان، نمونه‌های بارزی از تداوم این نقش آفرینی زنان در هویت و فرهنگ کوردی بوده‌اند. جمعیت باشکوه و انبوه زنان، با حضور فعال و چشمگیر خود جشن‌های نوروزی را به صحنه‌ای برای نمایش قدرت، هویت و اتحاد خود تبدیل کرده‌اند. استفاده از پوشش‌های اصیل ملی، جامانه، هه‌وری و سر دادن سرودهای ملی، روشن کردن نمادین آتش نوروزی، گرفتن سرچویی (نفر اول پایکوبی که دستمال را به‌عنوان نماد و پرچم به مانند فرمانده رزم در هوا می‌چرخاند) نه تنها نمادی از هویت کوردی بوده است، بلکه بیانگر خواسته‌های آنان برای آزادی، برابری و عدالت بوده است. ادامه

سعید شرفکنندی، رهبر حزب دموکرات کردستان ایران که در سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین توسط جمهوری اسلامی ترور شد، این مسأله را به درستی چنین جمع‌بندی کرد: «علت دوام جمهوری اسلامی، قدرت آن نیست، بلکه ضعف و پراکندگی اپوزیسیون است.» افزون بر این عوامل، هراساندن مردم توسط جمهوری اسلامی از آینده مبهم و سناریوهای ناامن در منطقه (مانند جنگ داخلی سوریه، لیبی و عراق) باعث شده بخش‌هایی از جامعه ایران نسبت به حرکت به سوی براندازی کامل مردد باشند. جمهوری اسلامی این هراس را عامدانه با پروپاگاندا در میان مردم تقویت کرده است. اتهام زدن به جنبش‌های ملی به عنوان «تجزیه‌طلب»، برجسته‌کردن خطر «سوریه‌ای شدن» ایران، و تضعیف اعتماد متقابل بین ملیت‌ها و جامعه مرکز ایران از ابزارهای کارآمد جمهوری اسلامی برای حفظ وضع موجود بوده است. با این وجود، خیزش سراسری «ژن، ژیان، آزادی» نقطه عطفی در این روند بود. در این خیزش، برای نخستین‌بار همبستگی ملیت‌های مختلف با مردم شهرهای مرکزی شکل گرفت. شعارهای حمایت‌آمیز از کردستان و بلوچستان در تهران، اصفهان و شیراز نشان داد که نسل جدید، مرزهای ترسیم‌شده توسط رژیم را شکسته و به سمت همبستگی بین ملل تشکیل دهنده ایران گام برداشته است. حضور همزمان زنان، جوانان، کارگران، ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی در اعتراضات اخیر، زمینه‌های مادی و ذهنی تشکیل یک جنبش سراسری برای گذار از جمهوری اسلامی را پدید آورده است، هرچند هنوز با تحقق اتحاد استراتژیک و جبهه‌های مشترک فاصله داریم.

چشم‌انداز وضعیت سیاسی ایران در داخل و خارج کشور چگونه است؟

ایران امروز در یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال حساس‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار دارد. از یک‌سو، کشور با انبوهی از بحران‌ها روبه‌رو است: بحران اقتصادی با تورم افسارگسیخته و بیکاری، بحران مشروعیت سیاسی با فاصله عمیق مردم از حاکمیت، بحران زیست‌محیطی با خشکی رودها و دریاچه‌ها و نابودی منابع طبیعی، و از سوی دیگر، انزوای بی‌سابقه در عرصه بین‌المللی. اما همزمان با این وضعیت بحرانی، نشانه‌های روشنی از حرکت جامعه به سوی دگرگونی مثبت مشاهده می‌شود. مهم‌ترین شاخص امیدبخش، ظهور نسلی تازه و آگاه است؛ نسلی که در خیزش «ژن، ژیان، آزادی» با شهامت و قاطعیت، نه تنها خواسته‌های خود را در زمینه آزادی،

برابری و عدالت مطرح کرد، بلکه نشان داد به یک بلوغ سیاسی رسیده و فراتر از مرزهای ملی، به ایران به‌مثابه سرزمینی برای همه ملت‌ها و مردمانش نگاه می‌کند. حضور پررنگ زنان، جوانان، کارگران، ملیت‌های مختلف، اقلیت‌های دینی و قشرهای مختلف جامعه در اعتراضات، گواه شکل‌گیری یک هویت نوین و سراسری بر پایه ارزش‌های جهان‌شمول حقوق بشر است. از سوی دیگر، هرچند رژیم با ابزار سرکوب توانسته به‌طور موقت اعتراضات را مهار کند، اما نارضایتی عمومی، بحران جانشینی، فرسایش مشروعیت نظام و اختلافات درونی جناح‌های حاکم نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت تاریخی خود قرار گرفته است. حتی بخش‌هایی از بدنه حکومت نیز به ناکارآمدی و شکست سیاست‌ها اذعان کرده و نسبت به آینده رژیم نگرانند.

در صحنه بین‌المللی، ایران به‌رغم انزوا، تحت فشارهای مستمر قرار دارد و شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که تغییر مسیر، یا از درون، یا از سوی جامعه، یا از ترکیبی از هر دو، بیش از هر زمان دیگر محتمل شده است. جامعه جهانی به‌ویژه افکار عمومی، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری، توجهی بی‌سابقه به تحولات ایران نشان می‌دهند و این حمایت معنوی، سرمایه بزرگی برای مردم در مسیر گذار به دموکراسی است. همچنین، برخلاف گذشته که جنبش‌های مردمی به سرعت خاموش می‌شدند، امروز فرهنگ مقاومت مدنی، همبستگی و طرح مطالبات شفاف مانند «ژن، ژیان، آزادی» به یک هویت پایدار و برگشت‌ناپذیر تبدیل شده است. جنبش‌های اخیر نشان داده‌اند که مردم ایران دیگر از مرز ترس عبور کرده‌اند و آماده فاز جدیدی از مبارزه برای دگرگونی دموکراتیک و عادلانه هستند. بدون تردید، اگر نیروهای سیاسی دموکراتیک، چه در داخل و چه در خارج از کشور، بتوانند بر مبنای حقوق برابر ملت‌های ایران، حق تعیین سرنوشت، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، بر اختلافات غلبه کرده و یک جبهه ملی فراگیر و متکثر تشکیل دهند، آینده‌ای روشن‌تر، انسانی‌تر و عادلانه‌تر در دسترس خواهد بود.

آقای حقی خیلی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید خواهش می‌کنم.



البرز روئین تن

جشن نوروز با شور و هیجان همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد برگزار می‌شود، حتی در سطحی بسیار گسترده و در سراسر کردستان به‌طور یکپارچه برگزار می‌شود. به‌گونه‌ای که بار دیگر این واقعیت تثبیت شد که کردستان به‌عنوان یک واحد مستقل و متفاوت، ویژگی‌های خاص خود را دارد و در هر فرصتی تلاش می‌کند تا آزادی‌خواهی خود را نشان دهد، برای آن هزینه بپردازد و مبارزه‌ای جمعی را که هدفی جز دستیابی به آرمان‌های ملی و سیاسی کردستان ندارد، تقویت کند.

آنچه قابل توجه بود، تلاش همه‌جانبه رژیم برای جلوگیری از این رویداد بود. رژیم از افزایش آگاهی مردم و گسترش جنبش اعتراضی هراس داشت، به همین دلیل پس از اقدامات پیشگیرانه متعدد، به سرکوب نوروز خاکی‌پوشان متوسل شد. همانند همیشه، حکومت مرکزی ایران که هیچ برنامه‌ای جز فریبکاری ندارد، تلاش کرد نوروز را تحت کنترل خود درآورد، جایگزینی برای آن ایجاد کند و آن را تحت نمادهای جمهوری اسلامی برگزار کند. در این راستا، حتی قصد داشت از خوانندگان و هنرمندان کورد نیز استفاده کند. با این حال، همان‌طور که انتظار می‌رفت، مردم آگاهانه در برابر این جنگ نرم ایستادگی کردند و نوروز خود را که نمادی از هویت ملی کردستان است، از نوروز دیکتاتوری اشغالگر جدا ساختند. به همین دلیل، در نوروز خاکی‌پوشان کردستان، تنها با سر دادن شعار «قاسملو قاسملو، راهت ادامه دارد»، پایه‌های رژیم را به لرزه درآوردند و بار دیگر نشان دادند که نوروز آنان الهام‌گرفته از سمبول «پیشمرگه» و جنبش سیاسی کردستان است.

«قاسملو» رهبر فرهیخته و آگاه کورد بود که رژیم دیکتاتور سی و شش سال پیش او را در حین مذاکره ترور کرد تا ضربه‌ای سنگین به جنبش سیاسی کورد و حزب

چرا "قاسملو قاسملو، راهت ادامه دارد"؟



دموکرات و مبارزه آزادی‌خواهانه کوردها وارد کند. اکنون، پس از سی و شش سال، نام او در خیابان‌ها و گردهمایی‌های مردم کردستان با افتخار بر زبان آورده می‌شود. این شعار، رژیمی را که در جنگ نرم خود را شکست‌ناپذیر می‌پنداشت، به چالش کشیده است.

اما چرا «قاسملو قاسملو، راهت ادامه دارد» امروز هم پس از سه دهه شهید شدن این رهبر همچنین در مقابل دشمن به مانند سپهری از کردستان دفاع می‌کند؟ زیرا او تمام زندگی خود را وقف آزادی مردم و سرزمینش کرد و لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید. نه تنها در کوه‌ها و دره‌های کردستان، بلکه در هر نقطه‌ای از جهان، کردستان را به سنگر مبارزه تبدیل کرد. او در ادامه و رهبری مبارزه کوردها، از رهبر شهید، پیشوا قاضی محمد، و

تمام قیام‌های پیش از خود الهام گرفت و دانش علمی و فکری روز را به خدمت جنبش ملی کورد آورد تا برنامه‌های پیشرو برای زمان خود و حتی آینده کوردها ارائه دهد. او در هر محفل علمی زمان خود، به دنبال راهی برای خدمت به کردستان و کوردها بود و بر این باور بود که نباید اسیر ایدئولوژی‌های کورکورانه شد، بلکه باید از ایدئولوژی‌ها به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف ملی و آزادی ملت کورد و کردستان استفاده کرد. او با تفکر و زندگی و مبارزه خود اثبات کرد که با مرگ او، کردستان نمی‌میرد، چنان‌که بر مزارش نوشته شده است: «اگر من مردم، اما کورد نمی‌میرد». بله، کورد زنده است تا بگوید آزادی می‌خواهد و برای ملت خود مبارزه می‌کند و همچنان فریاد می‌زند: «قاسملو قاسملو، راهت ادامه دارد».

سوژه کوردی و سوژه غیر کوردی به دلیل نگاه ابژه کتیف سوژه غیر کوردی به کورد و کردستان که منجر به تدوام استبداد و اقتدارگرایی در ایران شده نیز نقش غیر قابل انکاری در فهم و آگاهی جامعه کوردی داشته خوب به الطبع در کنار نقش روشنفکران تحصیلکرده فعال در حوزه مدنی جامعه کردستان، رسانه‌های هویت‌خواه کوردی همچون کانال‌های ماهواره‌ای حزبی و نشریات حزبی نیز نقش تاثیرگذاری داشته‌اند.

کلام پایانی

نوروز به مثابه یک پدیده امروز در کردستان خصلتی گفتمانی پیدا کرده،

زیرا از یک سو محصول فهم، درک و آگاهی سوژه کوردی از خود و از دیگری غیر کورد است، از سوی دیگر برآیند ارتباط اینترسوبژکتیف سوژه کوردی است، زیرا تحمیل هیچ قدرت و زور حکومتی نیست، همچنین در تقابل با کلان روایت و فراروایت ایران‌شهری (پان‌فارسی) از نوروز است که برآیند یک حکومت، زور و سلطه حکومتی است. بنابراین نوروز کردستان هم پژواک سوژه‌گی جامعه کردستان است و هم نقشه‌راه مبارزه با استثمار و کلونیالیسم ایرانی.

تر نگاه‌های کوردانه کردستان محور و گسترش، تداوم و استمرار اعتراضات ذهنی و عینی بشود (یعنی هم تقابل ذهنی با المان‌های ذهن ایرانی و عناصر ذهنی کلونیالیسم و هم تقابل عینی با مظاهر عینی برآمده از ذهن ایرانی بشود) در این صورت می‌توان گفت که این روندها برآمده از ذهن کورانه سوژه کوردی بوده.

عوامل تاثیرگذار در تغییر ذهن کوردی

به نظر می‌رسد که عوامل متعدد، متضاد و بسیار ناهمگونی در این روند نقش داشته است. اما به نظر من فهم سوژه کوردی از دینامیسم ناپویا استثمارگر و دیگری زدای ایدئولوژی ایران‌شهری به مثابه یک فراروایت

سوژه کوردی و کردستان چقدر بر خلق و آفرینش نوروز کردستان تاثیر گذاشته رو باید از میزان همگرایی، همپیوندی و همپوشانی نگاه‌های جامعه کردستان از یک سو و از سوی دیگر بر گسترده‌تر شدن دامنه اعتراضات در کردستان علیه اشغالگری بررسی کرد به هر میزان این روندها گسترده تر و توسعه یافته‌تر باشند می‌توان گفت تاثیرات ذهن کوردانه سوژه کوردی و کردستان بر این خلق و آفرینش تاثیر گذاشته، یعنی از یک سو منجر به اتحاد بیشتر و همپوشانی گسترده

پیرامون حوادث اخیر ارومیه

مراسم نوروز کوردی در ارومیه - بهار ۱۴۰۴



زیست انسان در عصر حاضر کاملاً در تضاد بود. جمعیتی که اکثریت قریب به اتفاق آن را مردان تشکیل می‌دادند حیدرکنان چماق به دست با شعارهای فاشیستی و نژادپرستانه و دشنام و ناسزا گفتن به کوردها همراه بود. شدت وقاحت این مراسم به حدی بود که حتی نیروهای امنیتی رژیم هم چند تن از جمله یک زوج تبریزی را بازداشت کردند. در واقع رژیم و ناسیونالیسم افراطی ایرانی-فارسی برنده‌ی این بازی و بی‌خردی مردم تورک ارومیه شدند اما آنچه قابل تامل است اکثریت فعالین مدنی و سیاسی تورک همان‌هایی که مدعی دفاع از حقوق بشر ملت تورک در مقابل مرکزگرایان هستند، از این تجمع که در آن شعارهای نژادپرستانه، دیدگاه حذف و تهدید به قتل عام کوردها نمایان بود حمایت کردند که نشان می‌داد مدعیان حقوق بشر یورک هنوز درک درستی از عناوین و اصطلاحات دموکراسی و حقوق بشری ندارند. فعالین مدنی و سیاسی تورک این موضوع را بدانند که اگر با گوشه نگاه فاشیستی و ناسیونالیسم افراطی که از سوی AKP در ترکیه ترویج می‌شود به مسئله کورد بنگرند، کوردها در همه ابعاد و اشکال در مقابل آنها خواهند ایستاد و رهبران سیاسی و احزاب کوردستان نباید از بیان این موضوع استان ارومیه بخشی از جغرافیای کوردستان بوده و هست ابایی داشته باشند

هرچند رژیم با همه قوای سه گانه آن از جمله قوه مقننه یا قانونگذاری مشروعیتی ندارند و نمایندگان مجلس تنها در یک چهارچوبی که برای آنان تعیین شده است می‌توانند فعالیت کنند اما همین موضوع حضور نمایندگان بی‌اختیار در مجلس هم برای تورک‌ها قابل تحمل نیست. جامعه مدنی کوردها در ارومیه تصمیم گرفتند که در واپسین روزهای سال گذشته اقدام به برگزاری یک مراسم نوروزی نمایند که با واکنش شدید اعضای تورک شورای شهر روبرو شد اما نتوانستند مانع آن شوند که این موضوع آنها را بیشتر عصبانی کرد. این مراسم با حضور جمعیت قابل توجهی از مردم کورد ارومیه انجام شد. طبق داده‌های غیر رسمی بیش از ۱۵۰ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. آنچه که در نوروز ارومیه شاهد آن بودیم حضور زنان با حجاب اختیاری (که نشان دهنده آن است حذف حجاب به هیچ عنوان بخشی از مطالبات جامعه کوردستان نمی‌باشد چرا که این موضوع اصلاً خواست و مطالبه نیست و در کوردستان حل شده است و مطالبات در سطح بالاتری می‌باشند) که نشان از درک جامعه به نسبت حضور زنان در مدیریت امور می‌باشد. مردم با برافروختن آتش نوروز که سمبل پیروزی روشنایی بر تاریکی و ایجاد صلح و آشتی می‌باشد، نوید آزادی و برابری را می‌دادند. اما متأسفانه چند روز بعد با فراخوان مدیران تورک شهر جمعی شکل گرفت که با معیارهای

مذاکره و گفتگو و مطرح کردن آن در محافل جهانی این روند را ادامه داده‌اند، در این راه شمار زیادی از رهبران سیاسی اعدام و ترور شده‌اند هزاران پیشمرگ جان خود را از دست داده‌اند و هزاران نفر در بیدگاه‌های رژیم اعدام شده‌اند. ولی متأسفانه با وجود همه این اتفاقات در رژیم جمهوری اسلامی، آنها در کنار خمینی و خامنه‌ای بودند. در واقع می‌توان گفت اگر در تهران یک حکومت دیکتاتوری فارسی-شیعی حاکم است، یک حکومت موازی و لوکال تورکی-شیعی در ارومیه حکومت می‌کند که مبنای حکومتداری آنها بر پایه تغییر چهره ارومیه به یک شهر تماماً تورک نشین و ضد کوردی می‌باشد. اگرچه مدیران استان اکثراً از چهره‌های نزدیک به رژیم بوده ولی متأسفانه اکثریت غالب جامعه مدنی تورک نیز با ذهنیت ضد کوردی آنان همراه بوده و هستند حتی اگر مخالف رژیم هم باشند

برگزاری مراسم نوروز در ارومیه
برگزاری مراسم نوروز در ارومیه با حواشی زیادی همراه بود. جامعه مدنی کورد ارومیه در سال‌های اخیر فعالیت‌های فرهنگی و مدنی زیادی به راه انداختند و حتی سعی بر آن داشته‌اند در مدیریت شهری و استانی حضور داشته باشند. در سال‌های اخیر توانسته‌اند وارد شورای شهر شوند و برای اولین بار در تاریخ رژیم کوردها توانستند دو نماینده کورد از مجموع سه نماینده ارومیه راهی مجلس کنند.

شود. از اعمال فشار و دستگیری فعالان مدنی و محیط زیستی و هنرمندان گرفته تا مسدود کردن مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم اما کارساز نبود. در این بین مراسم نوروز در ارومیه بسیار متفاوتتر از دیگر مراسمات مورد توجه قرار گرفت

ارومیه در تاریخ معاصر

باقت انتیکی ارومیه متشکل از ملت کورد، تورک و اقلیت‌های ارمنی و آشوری است. در دوران پهلوی اول بدون در نظر گرفتن بافت اصیل این منطقه، این بخش در ایالت آذربایجان قرار داده شد. اکثر جنبش‌های ناسیونالیستی کوردها در ۱۰۰ سال اخیر از جمله جنبش خالد آقای جلالی در ماکو، جعفر آقای شکاک در سلماس، اسماعیل آقای سمکو در ارومیه، تشکیل ژ-کاف و حزب دموکرات کوردستان و تاسیس جمهوری کوردستان در مه‌آباد همگی در این خطه شکل گرفته‌اند. بعد از قتل ناجوانمردانه جعفر آقای شکاک در تبریز اختلافات و کینه‌توزی‌های دو ملت کورد و تورک بیشتر شد و بعد از قتل اسماعیل آقای سمکو توسط رضاخان راه برای به دست گرفتن قدرت و حاکمیت ملت تورک در ارومیه هموار شد. اگرچه در دوران حکومت ملی آذربایجان و جمهوری کوردستان با درایت زنده یاد «پیشموری» و «پیشوا قاضی محمد» این اختلافات به حداقل رسید اما در دوره بعد از سقوط این دو حکومت رژیم پهلوی عملاً ملت تورک را در استان ارومیه به حاکمیت رساند و در دوران بعد از انقلاب خلق‌های ایران در سال ۵۷ هم متأسفانه اکثریت جامعه آذربایجان با خمینی بیعت کردند و به سرکوب جنبش حق‌طلبانه ملت کورد پرداختند. در آن زمان به دلیل عدم بلوغ سیاسی جامعه آذربایجان و عدم وجود رهبران سیاسی هویت‌خواه ، با اندیشه‌های ولایی-شیعی خمینی همراه شدند. در دوران جمهوری اسلامی تورک‌ها در ارومیه و دیگر شهرهای چند انتیکی تام الاختیار بودند در تمام سطوح مدیریتی اداری استان تا پایین‌ترین درجات آن در همه ادارات از استانداری و شهرداری تا بخش بهداشت و درمان و آموزش و محیط زیست کوردها را دایره مدیریت شهری خارج کردند و شروع به تغییر دموگرافی و بافت شهرها نمودند. آنچه که امروزه تعدادی در خارج از کشور نه به صورت میدانی بلکه تنها در توییتر و اینستاگرام مدعی هویت‌خواهی تورکی هستند که اکثراً هم در ۱۰ سال اخیر به واسطه ترویج ناسیونالیسم افراطی تورکی از سوی آنکارا و باکو شکل گرفته‌اند، هر آنچه را از جمله هویت ملی، حق تحصیل به زبان مادری، مبارزه با ناسیونالیسم افراطی ایرانی و عدم تمرکز در سوشال میدیا برای آن توییت یا پست می‌گذارند، کوردها در ۱۰۰ سال اخیر در همه اشکال مبارزه، از مبارزه مسلحانه تا



ساسان خاتونی

مراسم نوروز در کوردستان

مراسم باستانی نوروز که هر ساله در همه مناطق کوردستان و دیگر نقاط از جمله بسیاری دیگری از مناطق ایران جشن گرفته می‌شود، برای ملت کورد همیشه معنای متفاوتی از دیگر مللی که به آن معتقد هستند را دارند. کوردستان به واسطه اشغال و تقسیم آن در چندین کشور در تاریخ معاصر به شدت زیر تیغ تهاجم و آسمیلاسیون زبانی و فرهنگی بوده است تا جایی که بسیاری از مناسبات فرهنگی و تاریخی آنان توسط ملل و دول اشغالگر به سرقت رفته و امروزه می‌خواهند آن را به نام خود ثبت جهانی کنند. در دهه اخیر مراسمات نوروز در همه بخش‌های سرزمین اشغالی رنگ و بوی دیگری داشته است. کوردها امروز در خاورمیانه به عنوان یک بازیگر جدی ولو غیردولتی در بطن تغییرات و معادلات هستند و توجهات منطقه‌ای و جهانی بر روی آنهاست و این امر باعث شدت گرفتن امواج هویت‌خواهی و ابراز وجود این هویت دیرینه‌ی انکار شده گشته است. در واقع جشن نوروز فرصتی برای نمایش وحدت و همبستگی و هویت ملی کوردها بوده به طوری که در هر دوره‌ای که کوردها از جانب رژیم‌های حاکم بر کوردستان بیشتر تحت فشار بوده‌اند، نوروز بیشتر معنای سیاسی پیدا کرده و به عنوان نمادی از پایداری فرهنگی و سیاسی بوده است. علاوه بر بعد تاریخی و هویتی، مراسمات نوروز شامل روشن کردن آتش، رقص و پایکوبی، پوشیدن لباس ملی و خواندن شعرها و سرودهای حماسی است که همه این‌ها نشان دهنده پیوند عمیق این جشن با روحیه آزادی‌خواهی و هویت فرهنگی کوردها است در شرق کوردستان و در جغرافیای سیاسی ایران اما موضوع کمی متفاوتتر است. بعد از خیزش انقلابی «ژن، ژیان، نازادی» روحیه آناشیشیستی و انقلابی مردم کوردستان بسیار زیاد شده به طوری که نسل جوان امروز بسیار شجاعانه در صحنه حضور می‌یابد. مراسمات نوروز سال گذشته لوزه بر اندام رژیم انداخت و در نوروز اخیر هم رژیم سعی کرد با استفاده از تمام توان خود مانع از برگزاری مراسمات نوروز